
نظری به منابع تاریخ ماوراءالنهر و خاندان منغیته

در سده نوزدهم میلادی

□ دکتر محمد رضا حامدی

عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر

چکیده

در میان خان نشینان آسیای میانه، منغیته‌ها در روزگار جانیان که حکومت خانهای استراخان را تشکیل دادند نفوذ و قدرت زیادی بدست آوردند و در نیمه دوم قرن دوازدهم هجری/ هجدهم میلادی عبدالرحیم نخستین رئیس آنان و سپس دانیال، وزارت حکام بخارا را بدست گرفتند و سرانجام جای فرمانروایان پیشین را اشغال کردند.

شاه مراد بن دانیال معروف به میرمعصوم (۱۱۹۸ - ۱۲۱۵ق/ ۱۷۸۵ - ۱۸۰۰م) بنیانگذار حکومت منغیت محسوب می‌شود. وی با ازدواج با دختر ابوالغازی جانی، به دامادی خاندان جانیان مفتخر شد. در دوره مظفرالدین بن نصرالله (۱۸۶۸/۱۲۸۳)، دولت منغیت بتدریج تحت سیطره دولت روسیه درآمد. مظفرالدین در سال (۱۸۸۶/۱۳۰۴) درگذشت و پسرش سید عبدالاحد و پس از وی در سال (۱۹۱۰/۱۳۲۸) فرزند او بنام میرعالم (علیم) حکومت را به دست گرفت. میرعالم پس از درگیر شدن روسیه در جنگ جهانی اول و انقلاب بلشویکی مانند سایر خان نشین‌ها استقلال خود را بدست آورد اما طولی نکشید که در سال (۱۹۲۰/۱۳۳۹) پس از حکمفرما گردیدن حکومت بلشویکی ناگهان سقوط کرد و در بخارا جمهوری سوسیالیستی تاسیس شد و بدنبال آن عالم خان به افغانستان گریخت.

کلید واژه‌ها: منغیت، ماوراءالنهر (آسیای میانه/ آسیای مرکزی)، بخارا، خیوه، خوقند

مقدمه

برای پژوهش و تحقیق در آسیای میانه به ویژه در دوره معاصر مسایل و مشکلات بسیاری فرا روی پژوهشگر قرار می‌گیرد. تحولات تاریخی که بین ایران و این سرزمین پیدا شد به ویژه پس از شکل‌گیری حکومت کمونیستی شوروی بطور روشن دیوارهای بلندی ایران را از آسیای میانه جدا ساخت و امکان تبادل اطلاعات و دنبال و انجام کارهای پژوهشی را غیر ممکن ساخت. منابع این دوره محدود و غیر قابل دسترسی است. اندک منابع داخلی که بصورت نسخ خطی و در بایگانی‌های کتابخانه‌های داخلی است به سختی در اختیار قرار می‌گیرد. آثار دوره قاجار نیز تنها اندکی از رویدادهای منطقه را منعکس نموده‌اند، منابعی که موجود است با رویدادهای مرزی ایران ارتباط دارد، از این رو اطلاعات این منابع در مورد اوضاع داخلی ماوراءالنهر بسیار اندک و محدود است.

انبوهی از آثار و نسخه‌های خطی فارسی موجود در انستیتو شرق شناسی تاجیکستان از نزدیک بررسی و یادداشت برداری شده است علاوه بر نوشته‌های محققین تعدادی گزارش سفر یا سفرنامه مربوط به این دوره بدست آمده است که در دوره قاجاریه به دلیل اهمیت سیاسی ماوراءالنهر و بازدید از آنجا به دستور ناصرالدین شاه تهیه و ترجمه شد.

در این مقاله از دو نوع گزارش سفر یا سفرنامه استفاده نموده‌ام. دسته اول سفرنامه‌های مربوط به اروپائیان است که در قرن نوزدهم و تحت شرایط آن زمان به منطقه وارد شده و دیده‌ها و شنیده‌هایشان را برشته‌تحریر درآورده‌اند. تعدادی از این سفرنامه‌ها در دوره قاجاریه ترجمه شده‌اند و به صورت نسخه‌های خطی در کتابخانه‌ها موجود است و برخی دیگر به زبان اصلی باقی است. دسته دوم تعدادی از سفرنامه‌ها نوشته فرستادگان سیاسی شاهان قاجار به دربار خانات می‌باشند که تعداد آنها محدود است و همچنین نسخه‌های خطی موجود در بعضی کتابخانه‌ها را مطالعه و در این نوشته لحاظ کرده‌ام.

نحوه تقسیم بندی منابع در این مقاله به شیوه ذیل تدوین گردیده است.

الف: نسخه‌های خطی که شامل کتابهای تاریخ عمومی و تاریخ خاص و پاره‌ای سفرنامه می‌شود.

ب: کتابهای چاپی که شامل تاریخ عمومی، تاریخ خاص و کتابهای جغرافیایی یا جغرافیای تاریخی و سفرنامه‌ها می‌باشد.

منابع مهم شامل مآخذ و نوشته هایی است که بصورت اختصاصی درباره حوادث و مسایل منطقه ای آسیای میانه باقی است و بیشتر به صورت نسخه های خطی در کتاب خانه های همان مناطق موجود است. چند مورد آنها تصحیح و انتشار یافته اند، بقیه کمیاب و به آسانی در دسترس نیستند.

الف. نسخه های خطی

برای استفاده از این منابع به چند نکته باید توجه داشت:

۱. بد خطی اکثر این نوشته ها استفاده از آنها را دشواری نماید. همچنین قلم خوردگی های مکرر و نوشته های درهم تنیده و اصطلاحات نامانوس محلی کار را بر پژوهش گر دشوار می کند.

۲. گاهی تاریخ نگار از سبکی پیروی می کند که بیشتر به سخنان اغراق آمیز، اصطلاحات تملق گونه، زیاده گوئی، چاپلوسی و مدح و ثنای بی ربط خانات در این نوشته ها بطور فراوان است.

۳. به نظر می رسد شیوه تاریخ نگاری کاملاً تحت تاثیر تاریخ نویسی ایرانی و اسلامی است و پاره ای روش تاریخ های عمومی را داشته و از زمان هبوط حضرت آدم (ع) شروع و تا عصر نویسنده ادامه دارد. تعدادی نیز حمله و هجوم چنگیزخان را محور پژوهش قرار داده اند.

۴. به سبب برخی تحولات و اختلافات سیاسی در ماوراءالنهر منابع تاریخی دارای روش نگارش یکسان نیستند و این اختلاف نظرها خود مزایایی است که تاریخ نویسی منطقه را از یکسو نگری دور می سازد. گاه از عملکرد خانات نیز انتقاد شده است.

۱. از آثار خطی که از اعتبار و اهمیت زیادی برخوردار است اثر خطی معتبری است که تاریخ منطقه ماوراءالنهر و بویژه خان نشینی خوقند را بررسی می کند؛ «تاریخ جدید تاشکند»^۱ تالیف ملا محمد صالح خوجه می باشد.

تاریخ ماوراءالنهر و شهرهای تاشکند، فرغانه، بخارا و سایر شهرهای فرارود در روزگار زندگانی مولف در ۲ جلد تالیف گردید. جلد نخست آن نوعی تاریخ عمومی است که مولف پس از مطالعه آثار دیگران آنرا به رشته تحریر درآورده است. جلد دوم کتاب به تفصیل اوضاع ماوراءالنهر خصوصاً شهر تاشکند (چاچ) را بیان می کند و حوادث آن ناحیه را از دوران سلطنت علیم خان تا عهد حکومت نصیرالدین خان آخرین خان خوقند برشته

تحریر می‌کشد. و گزارش نبردهای ارتش روسیه را با خانات خوقند و تلاش ایشان برای تصرف مرغیلان، نمگان، اندیجان، سمرقند و... را بطور مفصل بیان می‌کند. در بخش پایانی نیز مولف اطلاعات فراوانی در خصوص آب و هوا، وضع کشاورزی، اوضاع اجتماعی و نقشه شهر تاشکند به دست داده و شرح حال خود را در صفحات ۱۰۳۴a - ۱۰۴۰b نیز بیان کرده است. تاریخ تالیف در فاصله سالهای میان ۱۲۶۷ - ۱۳۰۴ هـ ق توسط مولف نگاشته شده است.

ابتدای کتاب با این کلمات آغاز می‌شود: «حمد و سپاس بی‌حد و ثنای بی‌قیاس بی‌عدد به آن ذات مقدس صفحات سزاوار است که...».

پایان کتاب چنین خاتمه می‌یابد: «... و صاحب اقتداران با شوکت و آزاده دلان با مکتت متمنیان اسلام آبادان با سلطنت سعی دائمی از آن امنیت توامان تا به این دم رسانیده.»

استفاده از این کتاب مشکلات زیادی به خاطر بدخطی کلمات و استفاده از واژه‌های دشوار بومی و ناخوانا بودن قسمت هایی از آن، در بردارد.

۲. «گلشن الملوک»^۲ کتاب دیگری است که در نیمه قرن سیزدهم هجری در دوره امیر حیدر منغیتی به وسیله محمد یعقوب بن امیر محمد تالیف شده است. این کتاب در شمار آثار تاریخ عمومی قرار دارد و حاکی از رویدادهای زمان پیامبر اکرم (ص) و گزارش کوتاه دوره حکومت بازماندگان مغول است. وقایع دوره هشتتر خانیان و شیبانیان با شرح بیشتری در این کتاب ذکر شده است. اهمیت این کتاب بررسی حوادث سیاسی اوایل دوره منغیت‌ها و شرح درگیریهای برخی گروههای آن دوره می‌باشد. توضیحاتی در مورد هویت قومی و قبیله‌ای این دوره را نیز در بر دارد که قابل استفاده است.

۳. کتاب «تاریخ»^۳ میرزا محمد شریف صدر بن عبدالشکور اثر ارزشمند دیگری است که در اواخر دوره منغیت‌ها برشته تحریر در آمده است. این کتاب حاوی شرح وقایع مهمی از آغاز حاکمیت تیمور گورکانی تا اواخر عصر منغیت‌ها می‌باشد که اطلاعات سودمندی از اوایل این دوره را نیز در بردارد و مشتمل بر چگونگی حضور نادرشاه در ماوراءالنهر و نحوه مقابله حاکمان منطقه باوی می‌باشد. در مورد تهاجم روس‌ها به این منطقه نیز به اختصار سخن به میان آمده است. با اینکه کتاب دارای ارزش فراوان است، ولی نویسنده در قسمتهایی از آن به مسائل ایران پرداخته و به افراط علیه شاهان ایران به عنوان شیعیان و

روافض موضعگیری کرده است.

۴. کتاب دیگری که در نوع خود دارای اهمیت است و موضوع آن به دوره منغیت‌ها اختصاص دارد، کتاب پر حجمی است به نام «تاریخ امیران منغیت بخارا»^۴ تألیف عالم خواجه مشرف بخارایی و به عنوان تاریخ عمومی ماوراءالنهر و مسائل داخلی بخارا از آن استفاده می‌شود. در این کتاب از درگیری بین خانات منغیت با قبایل اطراف به خصوص مناطق سمرقند و شهر سبز به تفصیل سخن به میان آمده است. این نوشته دارای متنی ساده و روان است و نویسنده به اصل رویدادها پرداخته و از حاشیه پردازی خودداری کرده است.

نویسنده بدون غرض به نوشتن پرداخته و تنها در بررسی مسائل دوره امیرنصرالله این قاعده را رعایت نکرده و به تعریف و تمجید او مبادرت کرده است.

۵. از دیگر منابع این دوره نوشته یکی از درباریان منغیت به نام میرزا سلیم بیک بن محمد رحیم، به نام کتاب «تاریخ سلیمی»^۵ است. این نویسنده فرمانروایی خانات شیانی را تا زمان امیرعبدالاحد به طور مجزاً و با عناوین مختلف شرح داده است. این کتاب مانند سایر آثار این دوره به مسایل دوران امیر مظفر و تهاجم روسها با شرح و تفصیل بیشتری می‌پردازد. قابل توجه است که نویسنده از نزدیک شاهد بسیاری از رویدادها بوده و متأسفانه گاهی از بیان حقایق خودداری می‌نماید و مراعات و جانبداری از خوانین را وجهه همت خویش قرار داده و از عملکرد آنان دفاع می‌کند. با وجود روحیه طرفداری از خانات که در نوشته‌هایش آشکار است اطلاعات قابل استفاده و معتبری را بهمراه دارد.

۶. نوشته با ارزش دیگری که مطالب آن از دوران شکل‌گیری حکومت منغیت‌ها شروع می‌شود «تحفه خانی»^۶ تألیف محمد وفای کرمنیگی است که به چگونگی زوال حکومت هسترخانیان پایان می‌دهد. این کتاب در شرح وقایع و حوادث سیاسی ماوراءالنهر و منطقه امیرنشین بخارا دارای اهمیت فراوانی است.

۷. کتاب دیگر نوشته محمد حکیم بی و محمد رحیم خان دوتن از پایه گذاران اصلی حکومت منغیت‌ها در سرزمین بخارا است و مشتمل بر شرح پاره‌ای از درگیری‌های آنان با قبایل ایلاتی منطقه می‌باشد.

با وجود اطلاعات قابل توجه و با ارزش منابع از طرفی نوعی بی‌نظمی در مسیر تاریخ منغیت‌ها و همچنین اتفاقات جانبی را دربر می‌گیرند. گاه اصطلاحات ستایشی و بی‌پایه در

مورد حاکمان به کار رفته است. رویهمرفته این شیوه ارزش کار نویسنده را در بیان مطالب پایین آورده است و آن را به گونه‌ای تملق آمیز جلوه می‌دهد و از هدف اصلی دور افتاده است.

۸. تالیفی دیگر نگارش کوتاهی است با اطلاعات مختصر و مفید و جالب در رویدادها و حوادث این دوره، بنام «منتخب امیران منغیت بخارا»^۷ نوشته قاضی بقاء که اطلاعات جالبی از حوادث این دوره به دست می‌دهد. وی دوره پیش از امیر مظفر را مختصر نموده ولی مسایل دوره وی را مفصل‌تر بیان کرده است. نویسنده همانند دیگر نویسندگان از عملکرد امیرمظفر انتقاد نموده و تقریباً همه گناه سقوط بخارا را به گردن وی انداخته است. این نوشته تمامی حوادث را تا آخر حاکمیت منغیت‌ها در بر دارد؛ ولی بسیار بد خط و ناخوانا است، به طوری که مطالعه آن را دشوار ساخته است.

۹. سفرنامه ارزشمندی که به نوعی سیر تکاملی تاریخ ماوراءالنهر را از دوران پیشین تا خاتمه تسلط روسها دربردارد. «سفرنامه آسیای وسطی»^۸ تالیف اسکران است این نوشته به دستور ظل السلطان در اصفهان ترجمه شد. قسمت اصلی کتاب به روند سیاست کلی چیرگی روسها بر خانات منطقه ارتباط می‌یابد. علاوه بر اطلاعاتی که در خصوص اوضاع داخلی بخارا در اختیار پژوهشگر می‌گذارد، درباره موقعیت خانات خوقند، بخارا و خیوه در برابر تهاجمات روسها بررسی نموده و به نوعی روسها را در حمله به منطقه ذیحق جلوه داده است. نویسنده بیشتر توجه خود را صرف مباحث سیاسی میکند و کاری به سایر جنبه‌های واقعیت گرای منطقه آسیای میانه نداشته است. موضوعات و مطالب کتاب تا آخر حکومت منغیتها ادامه یافته است.

۱۰. «سفرنامه ژوزف ولف»^۹ از دیگر آثاری است که در بررسی حوادث دوره امیرنصراشه اطلاعات جامعی دارد. وی مدتها در شهر بخارا سکونت داشت. و از نزدیک بر مسایل این دوره نظارت داشته است. ولف دو بار به ماوراءالنهر عزیمت کرد. دومین سفر او به این منطقه از اهمیت بیشتری برخوردار است. این سفر به منظور آزادی استودارت و کونولی دو نفر از ماموران انگلیس به بخارا می‌باشد که بدست امیر نصراشه زندانی شده بودند. وی با جمع آوری اعانه از انگلستان از مسیر عثمانی و ایران به این سفر رهسپار گردید. در فاصله زمانی که از ایران عبور می‌نمود، در همه جا به گرمی پذیرایی شد و سفارشنامه‌های متعددی برایش تدارک گردید. اما به ناحق در اکثر مواقع از ایرانیان

بدگویی کرده و ناسپاسی خود را نشان داده است. حتی در خراسان ایرانیان به او اطلاع دادند که بر اساس اخبار استودارت و کونولی کشته شده‌اند. اما وی ایرانیان را دروغگو خواند. با این حال زنده ماندنش در بخارا را مدیون ایرانیان است. زیرا پس از حضور در بخارا امیرنصرالله نه تنها جواب درستی به او نداد بلکه مدتها به حالت سرگردانی در آنجا به سر برده و اجازه خروج نداشت. محمد شاه با اعزام فرستاده‌ای به نام عباسقلی خان، توانست امیرنصرالله را به آزاد نمودن ولف راضی نماید. در همانجا به او اطلاع داده شد که دو سفیر انگلیس پیش از این به قتل رسیده‌اند. یادداشتهای ولف از حوادث و رویدادهای طول مسافرت و چگونگی گروه‌های قومی و قبیله‌ای مانند ترکمانان و غیره گفتگو میکند. کتاب وی درباره فضای سیاسی حاکم بر بخارا، شیوه حکومت امیرنصرالله، جنگهای امیر نصرالله با قبایل اطراف خوقند از اهمیت و ارزش خوبی برخوردار است. در پایان سفرنامه هم بخشی از یادداشتهای باقیمانده کونولی را ضمیمه کرده است. این نوشته‌ها را کونولی پیش از مرگ و در زمان اقامت در بخارا نوشته است و به عنوان ماترک او به ولف سپرده شده است.

۱۱. «تاریخ و سفرنامه خیوه»^۱ تألیف ماگامان (مک گاهان Mac. Gahan) آمریکایی از آثار منحصر به فرد در خصوص مسایل ماوراءالنهر است. ماگامان خبرنگار آمریکایی به قصد تهیه گزارش از پیشروی روس‌ها در خانات با هزاران مشقت عازم منطقه می‌شود او از راه اورنبورگ خود را به تاشکند می‌رساند. زمان حضورش مصادف با زمانی است که کافمان فرمانده سپاه روس به گمان تصرف خیوه نیروهایش را از تاشکند به آن سامان هدایت کرده بود. ماگامان انتظار داشت که بتواند خود را به سپاهیان روس برساند ناچار پس از تحمل مشکلات زیادی که در بیابان گریبانگیر او شد توانست خود را به کافمان ملحق سازد. وی پس از آن نبرد وضعیت خیوه را با تمام جزئیات توضیح داده است.

عدم تعلق خاطر وی به روس و یا انگلیس باعث شد تا ماگامان با بی‌غرضی و داوری صادقانه و با دقت و ظرافت خاص، گزارشگر این جدال نابرابر باشد. برنامه روس‌ها و شیوه تهاجمی آنها که از چندین سو به طور همزمان به طرف خیوه یورش بردند در سفرنامه به خوبی روشن است. در نظر گرفتن علل ناکامی ساکنان خیوه، و به کار نگرفتن شیوه‌های دفاعی و نبودن انضباط در میان آنان توسط ماگامان ذکر شده است. علاوه بر این وی

اطلاعات ارزشمند دیگری را از مسایل داخلی خان نشین خیوه ارایه نموده است. شاهکار ماگامان را می‌توان در تشریح عملیات خونین روس‌ها علیه ترکمانان یموت دانست. قتل عام وسیع و همه جانبه ترکمانان از دیدگاه او پنهان نمانده و جزئیات کشتار را توضیح داده است. وی روس‌ها را به خاطر این جنایات به شدت مورد سرزنش قرار می‌دهد و از اینکه برخی روس‌ها را عامل فرهنگ جدید در میان قبایل فاقد تمدن آن سامان معرفی می‌کنند اظهار تأسف کرده است. به هر صورت آنچه که از سفر ماگامان به دست می‌آید یک سند درست، قابل قبول و به دور از هرگونه حب و بغض می‌باشد. کتاب توسط ترکان عثمانی به زبان ترکی ترجمه شده. برخی مطالب به صورت حواشی را در خصوص تاریخ خیوه به آن افزوده و در ایران از زبان ترکی به فارسی برگردان شده است.

۱۲. یکی از برجسته‌ترین فرماندهان روسی در منطقه شخصی بنام «اسکولف» است که در زمان ماموریت نظامی خود در ماوراءالنهر کتابی به رشته تحریر کشید و نام آن «جنگ ترکستان»^{۱۱} می‌باشد. از خصوصیات بارز روس‌ها جسارت همراه با خشونت و بیرحمی است. هنگامی که خوقندیها علیه مهاجمان روس برخاستند، قیام آنها بوسیله این فرمانده بی‌رحم روسی با خشونت تمام روبرو گردید. قیام کنندگان سرکوب شدند و تا مرز چین آنان را دنبال نمود. این کار او دلیل کاردانی وی به شمار آمده است. وی به دنبال این پیروزی به فرماندهی قشون روس در صحرای ترکمان منصوب شد. ناگفته نماند که روس‌ها در آخرین مرحله پیشروی خود در ماوراءالنهر چندین مورد در مقابل ترکمانان شکست خورده‌اند و در این شکست‌ها اعتبار خود را از دست داده‌اند. ترکمانان نیز در دشت آخال شکست سنگینی یافتند و بوسیله فرمانده روسی اسکولف بصورت وحشتناکی قتل عام شدند. این فرمانده سفاک مقاومت سخت آنها را در هم شکست. اسکولف در کتاب خود شرح مبسوطی از چگونگی تدارکات و اقدامات نخستین را برای عملیات وسیع جنگی خود شرح داده است. وی قبل از ورود به بحث اصلی که توضیح مراحل مختلف تصرف گوگ تپه است، درباره ویژگی‌های جغرافیایی منطقه ترکمانان توضیح می‌دهد. در متن نوشته خود در مورد چندین عملیات نظامی فرماندهان قبلی برای تصرف منطقه و چگونگی ناکامی‌های آنها سخن به میان می‌آورد.

اهمیت قابل ملاحظه‌ای که این کتاب دارد، توضیحاتی است که درباره موقعیت جغرافیایی منطقه می‌دهد که بنوبه خود قابل توجه است. از سوی دیگر نمونه‌های عملکرد

روسها در تشریح جزئیات جنگی مربوط به چگونگی سقوط گوگ تپه است. در موارد زیاد نویسنده از اقدامات بیرحمانه خود و همراهانش خودداری نموده است. اطلاعات داده شده به وضوح اندیشه‌های استعماری و استثماری روس‌ها را نشان می‌دهد؛ که چگونه برای رسیدن به اهداف و امیال خود به هر طریق ممکن عملیات بیرحمانه خویش را حتی در خونینترین مرحله آن بصورت منطقی توجیه کرده‌اند.

ب: کتابهای چاپی

۱. «سفرنامه هانری لانسدل»^{۱۲} از دیگر نوشته‌های مربوط به ماوراءالنهر است که نویسنده خود به این منطقه سفر کرده و از نزدیک شاهد برخی رویدادها می‌باشد. وی کشیش انگلیسی است که از طریق روسیه به اورنبورگ و تا مرز چین سفر کرد و سپس منطقه خوقند، بخارا و خیوه را نیز بازدید نمود. سفرنامه او در دوره ناصری ترجمه شده است. به نظر می‌رسد مترجم در نهایت بی‌دقتی این کار را انجام داده و بخشهای وسیعی از مطالب را حذف نموده است. در مراجعه به متن ترجمه شده تنها بخشهای اندکی از آن قابل استفاده است. با این حال متن لاتین سفرنامه حاوی اطلاعات ارزشمندی درباره ساکنان منطقه و در عین حال موقعیت روسهاست. قسمتهایی از کتاب به مقایسه سیاست روسها و انگلیسی‌ها اختصاص یافته است. هر چند نامبرده انگلیسی است اما در متن کتاب کمتر موضعگیری مستقیم به چشم می‌خورد. به نظر می‌رسد وی همانند یک گزارشگر بیطرف عمل می‌کند.

۲. کتاب دیگر «منتخب التواریخ»^{۱۳} نوشته محمد حکیم و از منابع قابل استناد این دوره است. این نوشته حدود هشتصد صفحه و در شمار تاریخ عمومی است. مطالب کتاب به اختصار از هبوط حضرت آدم (ع) شروع شده و پس از بیان تاریخ انبیاء به تاریخ اسلام می‌رسد و تا روزگار مغول ادامه داده است. دوره منفیت‌ها در این منبع در دو بخش مورد بحث قرار می‌گیرد:

بخش نخست درباره مسایل مربوط به حاکمیت بخارا و بخش دیگر به تحولات داخلی خان نشین خوقند اختصاص یافته است. چون نویسنده در دوران حاکمیت تعدادی از امیران بخارا در منطقه حضور داشته، این کتاب از ارزش و اعتبار خاصی برخوردار است و راهگشای موثری برای پژوهشگران محسوب می‌گردد.

توضیحات نویسنده در خصوص جنگ‌ها و درگیری‌های بین خانات سه گانه ماوراء

النهر و آوردن برخی دلایل شکل گیری این درگیریها باعث شد که پاره‌ای نکات مورد فراموشی قرار گرفته فقط توسط سایر منابع و با توضیحات دیگر منابع روشن می‌شود. این کتاب نیز به دلیل حضور نویسنده در متن حوادث باعث شده همه نکات را بدون غرض توضیح دهد و گزارش نماید. با وجود نزدیکی نویسنده به دربار خوقند و بخارا، تملق و چاپلوسی و توضیحات بی‌مورد و تعریف و تمجید زائد و مسایل حاشیه‌ای در این کتاب به چشم نمی‌خورد و وقایع را آنچنان که هست شرح داده است. مطالب کتاب همه دوره تهاجم روسها را دربر نمی‌گیرد و فقط تا نیمه‌های حکومت امیرنصرالله اشاره می‌نماید.

۳. «تاریخ بخارا»^{۱۴} نوشته سیاح مجاری آرمینوس و امبری است و بدون شک از آثار ارزشمندی است که در این دوره نوشته شده است. نویسنده در بحبوحه درگیری رقابت‌های استعماری روس و انگلیس به ماوراءالنهر رفته و به بازدید از خیه و بخارا در دوره امیر مظفر نائل گردید و از آن صحنه‌ها دیدن کرده است. البته این کار او بدون خطر نمی‌باشد و در خصوص ماوراءالنهر نوشته‌هایی دارد. در این مقاله از دو بخش آن «تاریخ بخارا» و «سیاحت درویشی دروغین»^{۱۵} استفاده شده است این کتاب گزارش تاریخی بخارا از روزگار گذشته تا زمان غلبه روسها را دربر دارد.

بخشی از کتاب که مشاهدات وی در عصر امیر مظفر است با ارزش‌تر و با اهمیت‌تر از سایر قسمت‌های آن است. در عین حال که نویسنده در مسایل و تحولات سیاسی وارد شده به زندگی اجتماعی مردم ماوراءالنهر نیز پرداخته و به معرفی مسایل قومی و منقطه‌ای و قبیله‌ای نیز اشاراتی دارد و به شناخت مختصری از گروهها اقدام نموده است و رابطه‌های اجتماعی آنان را به طور مشروح بیان کرده و این از ویژگیهای ارزنده این منبع می‌باشد. در بررسی زندگی اجتماعی و مسایل اقتصادی قلمرو بخارا و توضیح و توصیف سایر مناظر اجتماعی و رویداد سیاسی بخارا چیزی از خاطر او پنهان نمانده است. به علت داشتن روحیات غربی و گرایشی که به آن داشته، بسیاری از آداب و سنن شرقی را نکوهش کرده و گاهی از مسائل واقعی دور مانده و بدگوئی نموده است.

درباره نقش روسها در ترویج تمدن در قلمرو ماوراءالنهر مبالغه کرده است. گاهی کینه توزانه به مسایل نگرسته، جنگ روس و بخارا را مقابله جهان اسلام و دنیای مسیحیت خوانده و به جنگ‌های صلیبی همانند کرده است.

نویسنده تاریخ بخارا علاوه بر این کتاب شرح دشواریهای سفر خود به سرزمین خیه و

بخارا را در کتاب دیگری که دارای اطلاعات جالبی در خصوص مسایل اجتماعی و سیاسی آسیای میانه است آورده است، که محتوای آن قابل مقایسه با تاریخ بخارا نیست.

۴. از آثار اختصاصی تحولات منطقه آسیای میانه که از ارزش و اهمیت بیشتری برخوردار است کتاب «تاریخ سلاطین منغیته»^{۱۶} نوشته عبدالعظیم سامی است، این کتاب که نسخه اصلی آن در انستیتو شرق شناسی تاجیکستان موجود می‌باشد توسط پپیفانوا به همان شکل اولیه و با ترجمه روسی به چاپ رسیده است. درباره خانات منغیته که حاکمان واقعی ماوراءالنهر در این دوره به شمار می‌آیند چند نوشته محدود موجود است که اثر یاد شده از همه آنها ارزنده‌تر می‌باشد. به قضاوت صاحب نظران محلی که به صورت مصاحبه با آنها گفتگو به عمل آمد این اثر یکی از نوشته‌های قابل توجه و با اهمیت درباره خانات این منطقه بشمار می‌رود.

مطالب کتاب با شرح حوادث دوره ابوالفیض خان و مسایل مربوط به لشکر کشی نادر به ماوراءالنهر آغاز و پس از آن به قدرت رسیدن خانات منغیت را دنبال نموده و به تحولات سیاسی منطقه تا پایان حکومت امیر عبدالاحدخان به سال ۱۳۲۴ ق پایان می‌دهد. با وجود اینکه در مطالعه کتاب گاهی نوعی تعصب و جانبداری توسط نویسنده مشهود است ولی این گرایش‌ها مانع از بیان صریح انتقادات که در دوره دوم حکومت امیرمظفر و شرح وقایع منجر به پیشروی روس‌ها در قلمرو بخارا می‌گردد، نشده است. و بیان آن خیلی ساده می‌باشد.

بنابراین با اندکی احتیاط می‌توان به بخش‌هایی از نوشته سامی اعتقاد داشت و در مقایسه با نوشته‌های دیگران بهره بهتر و بیشتری گرفت. از اشکالات مهمی که می‌توان در این نوشته ذکر نمود کمی اطلاعات در خصوص دوران پیش از امیر مظفر است که هیچ‌گونه توضیحات درباره ریشه خانوادگی و قبیله‌ای آنها داده نشده است. بر خلاف آنکه دوره حکومت امیر نصرالله اوج اقتدار این طایفه به شمار می‌آید مختصر اشاره‌ای بدان کرده و جزئیات حوادث را بررسی و تحلیل نموده است. مباحث کتاب مبتنی بر اتفاقات و رویدادهای گوناگون می‌باشد. از سوی دیگر به امور اقتصادی و اجتماعی و مذهبی منطقه توجه چندانی نشده است.

۵. منبع معتبر دیگری که بصورت محققانه جمع آوری و تالیف شده است و منحصرأ به عصر حاکمیت منغیت بخارا مربوط می‌شود «تاریخ امیران منغیته بخارا»^{۱۷} تالیف صدرالدین

عینی است. ویژگی این نوشته در این است که شکل و محتوای کتاب، امتیازات و اطلاعات مفید و مبتنی بر مدارک مستند را دارا است. صدرالدین از ادیبان و نویسندگان معتبر ماوراءالنهر بوده و آثار متعدد و متنوعی درباره تاریخ، فرهنگ و دانستیهای این منطقه تالیف نموده است. وی بر ادبیات و تاریخ مرز و بوم خود مسلط است و از این نظر آثار پر ارزش و علمی فراوان دارد. کتاب تاریخ امیران نیز دارای ارزش علمی است و مطالب آن با دقت و ظرافت خاص تنظیم شده است. با وجود این کتاب مزبور فاقد اطلاعات در ریشه قبیله‌ای منغیت‌ها قبل از رسیدن به قدرت می‌باشد. از طرفی مطالب آن از زمان سقوط ابوالفیض خان و به قدرت رسیدن رحیم خان آغاز و تا سقوط منغیت‌ها ادامه می‌یابد.

عینی در کتاب خود با عناوین جداگانه به بررسی تحولات منطقه بخارا در دوره حاکمیت امیران منغیت پرداخته و علاوه بر این از بیان مسایل سیاسی، درگیریها و چالش‌های مذهبی، اختلافات داخلی و پاره‌ای مباحث اجتماعی را نیز بررسی نموده و به تحلیل آن پرداخته است. همانطوریکه ذکر آن رفت، بخش‌های مهمی از کتاب به بیان علل ناکامی حکومت بخارا در مقابل روسها اختصاص دارد و عملکرد امیر مظفر مورد انتقاد قرار گرفته است.

۶ نوشته‌ی قابل اهمیت دیگر روزگار منغیت که میتوان در شمار منابع اصلی این دوره به شمار آورد و به نحوی مربوط به تحولات سیاسی ماوراءالنهر است، «رساله یا مختصری از تاریخ سلطنت خاندان منغیتیه»^{۱۸} تالیف احمد مخدوم دانش است. وی بیشتر به تحلیل دوره منغیتیه روی آورده و همچنان از ریشه یابی قبیله‌ای آنها طفره رفته و در مقابل با وسعت نظر بیشتری به مسائل مربوط به نحوه فرمانروایی و قدرت یابی آنها می‌پردازد.

دوران پیش از امیر مظفر را با دیده احترام نگریسته و بررسی نموده و بر اعمال آنها مهر تأیید زده است ولی زمان وی را مورد انتقاد شدید قرار داده و از نابخردیها و ناکامی‌های امیر مظفر در امور سیاسی و نظامی سخن صادقانه به میان آورده و ایراد گرفته است. از نکات برجسته این کتاب بررسی نحوه پیشرفت روس‌ها در قلمرو ماوراءالنهر و ناکامی امیرنشین بخارا که در برابر روسها مسکوت مانده است. از سوی دیگر محور دشواریها و درگیری‌های داخلی و وجود ناهمسوئی و اختلافات و سلیقه‌های گوناگون سیاست داخلی را به عنوان اصلی‌ترین عامل ناتوانی حاکمان بخارا بر می‌شمارد. اهمیت دیگر کتاب آن است که گاه از بیان مسایل سیاسی فراتر رفته و به مسائل داخلی و بویژه

اقتصادی منطقه نیز اشاره نموده است.

این کتاب از نگارش عالمانه و اهمیت ادبی بالایی برخوردار است. نویسنده از ادبای صاحب نام و مستعد منطقه بوده است. امتیاز آن نثر روان و دلنشینی جملات آن است. ویژگی دیگر اینکه تعریف و تمجید بی‌مورد در آن وجود ندارد و به نوعی بیانگر روحیه علمی و انتقادی نویسنده می‌باشد. وی وقایع و حوادث را تا نیمه‌های عصر عبدالاحد دنبال کرده است.

۷. کتاب دیگری از مؤلفی گمنام به نام «ظفرنامه خسروی»^{۱۹} است؛ این کتاب اوضاع دوران امیر نصرالله را به اختصار شرح داده است. این تالیف به نظر کتابی سفارشی است و این نظریه از سبک نگارش و شیوه انتشار آن مستفاد می‌گردد. زمان آن از روزگار تولد امیرنصرالله تا پایان زندگی وی است و مطالب و موضوعات نیز مربوط به این دوره است. علاوه بر سیاست داخلی بخارا و تشریح و توصیف عملکرد امیر نصرالله، بخش مهم کتاب به رویدادهای جنگ‌ها و کشمکش‌های پدرومانه شهر سبز و قلمرو خوقند و خویه اختصاص دارد. البته بحث جداگانه در مورد مسایل فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی ماوراءالنهر ندارد، ولی در لابلای نوشته‌های خود اطلاعات ارزشمندی را ارائه می‌دهد، که از نادر آثاری است که در ایران تصحیح شده و انتشار یافته است.

۸. آخرین امیر منغیت بخارا نیز در نوشته‌ای کوتاه بنام «خاطره‌های امیر عالم خان»^{۲۰} به شرح سرگذشت خاندان خویش پرداخته است نویسنده این خاطرات در هنگام ورود بلشویک‌ها به قلمرو منغیت‌ها در سال ۱۹۲۰ میلادی ناچار به افغانستان گریخته است. وی در رساله خود به ذکر سلسله خاندان خود پرداخته و به اختصار در این باره سخن گفته است.

۹. «انگلستان و روسیه در شرق»^{۲۱} نوشته سر هنری راولینسون از دیگر نوشته‌های مهم این دوره است. راولینسون یکی از محققین و از ماموران کمپانی هند شرقی انگلیس در ایران و آسیای مرکزی محسوب می‌شود وی در بازدیدهایی که از مناطق آسیای مرکزی انجام داد اطلاعات قابل توجهی برای کشورش گردآوری نمود و در جنگ اول افغان (۱۸۳۸-۴۲ م) شرکت داشت. وی در رویداد برخی مسایل داخلی ایران و افغانستان دخالت داشت و آثار متعددی در این زمینه انتشار داده است. کتاب حاضر علاوه بر اطلاعاتی که در خصوص مسایل ایران در پیرامون سیاست روس و انگلیس ارائه می‌دهد،

درباره افغانستان و عملکرد انگلیسها در این کشور توضیحاتی می‌دهد. بخش‌های قابل توجهی از کتاب به مسایل داخلی خان نشین بخارا و میزان اهمیت این مناطق برای انگلیس بشمار می‌رود. همچنین مباحثی در خصوص نحوه پیشروی روسها و اهداف آنها درباره این منطقه آورده است.

۱۰. «کتاب ترکستان»^{۲۲} یادداشت‌های سفر شوپلر به منطقه آسیای مرکزی است. نویسنده عضو جامعه جغرافیایی آمریکا و روسیه است. سفر او به منطقه در ۱۸۷۶ م روزگاری است که روسها در حال پیشروی به قلمرو ترکمانان بودند. کتاب شوپلر همانند یک دایره المعارف، اطلاعات همه جانبه‌ای درباره آسیای مرکزی می‌باشد. وی موقعیت اقلیمی، اوضاع اجتماعی، فرهنگی و هویت اقوام و ساکنان طول مسیرش را محققانه توضیح می‌دهد. نویسنده به اختصار درباره مراکز تجاری شهرها، ساختمان شهری، مساجد و اماکن دولتی سخن می‌گوید. علاوه بر این فصول جداگانه تاریخ سیاسی خیه و خوقند را توضیح می‌دهد. دقت و بررسی نویسنده در تمام صفحات سفرنامه به چشم می‌خورد. وی از تشریح کوچکترین مسایل اجتماعی و فرهنگی کوتاهی نمی‌نماید. حتی در باب اعتقادات و باورهای حاکم بر جوامع انسانی منطقه مطالب مفصلی ارائه می‌دهد. مولف درباره نحوه تسلط روس‌ها بر این سرزمین و سیاست روس و انگلیس داد سخن داده است. از سوی دیگر به مقایسه سیستم‌های اداری روس‌ها و تشکیلات سنتی اداری و فرهنگی منطقه پرداخته است. این کتاب هنوز ترجمه نشده است.

۱۱. در دوره ناصری کتاب با ارزش دیگری که بر خلاف انتظار بیشتر نوشته‌های تاریخی در مورد ماوراءالنهر بیشتر به حوادث سیاسی پرداخته‌اند به بررسی کاملاً متفاوت و دقت نظر تمام به ویژگی‌های قومی و تحولات و دیگر مسایل داخلی پرداخته و اعمال خانات منطقه را تحلیل و تبیین نموده است. کتاب «شرح آسیای مرکزی»^{۲۳} نوشته کستنکو، از آثار کمیاب روسی است. به هنگام شروع حملات روس به آسیای مرکزی، یکی از اقدامات لازم آنها گرفتن اطلاعات دقیق و قابل استناد درباره موقعیت جغرافیایی، ساختار اجتماعی و اقتصادی گروه‌های انسانی این منطقه است. به همین دلیل تحقیقات گسترده‌ای در این زمینه صورت پذیرفت و آثاری که برای نیروی نظامی دارای اهمیت بود به رشته تحریر درآمد. این کتاب از نادر نوشته‌هایی است که در فصول مختلف آن از زوایای گوناگون به جزئیات حیات سیاسی و اجتماعی منطقه و بخصوص به مطالعه و

تحقیق در بین ترکمانان پرداخته است. قابل ذکر است که نویسنده ویژگی‌های منطقه را تشریح کرده و به علل هجوم روسها به آن سرزمین نیز اشاره نموده است و دلایل این تهاجم را از دیدگاههای استعماری روسها ذکر می‌کند و مهر تایید بر اهداف و آرمانهای روسها می‌زند. هدف روسها ظاهراً ترویج تمدن در بین طوایف وحشی منطقه می‌باشد. یکسونگری نویسنده از دیدگاههای وی کاملاً آشکار است. از سوی دیگر آگاهی‌های داده شده نیز که به نوعی برای استفاده روسها تنظیم شده، قابل اهمیت می‌باشد.

۱۲. «سفرنامه به درون بخارا»^{۲۴} نوشته سرالکساندر بارنز از دیگر مأخذ حایز اهمیت ماوراءالنهر است. بارنز را می‌توان از جاسوسان زبده بریتانیا دانست که همزمان با اوج گیری جدال سیاسی روس و انگلیس عازم این منطقه شد. وی از طریق هند و افغانستان عازم خانات ماوراءالنهر گردید. یکی از اهداف وی یافتن مسیرهای احتمالی دسترسی به این سرزمین از طریق هند بود. وی در این سفر از خيوه و خراسان نیز دیدن کرد و شرح مفصلي از اوضاع و احوال قبایل و طوایف و آداب و رسوم آنها، میزان جمعیت، محل استقرار و سایر جزئیات زندگی‌شان سخن می‌راند. بارنز مسیر بازگشت خود را از طریق فرغانه، یار کند و تبت به شمال هند ذکر کرده است تا ویژگی‌های این مسیر را برای انگلیسیها روشن سازد. کتاب بارنز در سه مجلد تألیف شده است که دو مجلد آن تشریح موقعیت اوضاع و احوال مسیر حرکت است و مجلد سوم رویدادها و تحولات سیاسی منطقه را تشریح می‌کند. از سوی دیگر موقعیت داخلی امیر نشین بخارا، چگونگی ساختار اداری، قدرت نظامی و چالشهای این امیر نشین با همسایگان را توضیح داده است. موقعیت جغرافیایی و اهمیت سیاسی خيوه و در عین حال ارزش این منطقه برای روسها یکی از فصول مهم این کتاب را تشکیل می‌دهد. اهمیت اقتصادی و تجاری کل منطقه، مسیرهای تجاری، مواد تولیدی و اهمیت بازارهای منطقه برای کالاهای انگلیسی از دیگر مواردی است که نویسنده به آن می‌پردازد. با تمام ارزش واهمیتی که اطلاعات ارایه شده توسط بارنز دارد، بایستی این نکته را مورد نظر داشت که او جاسوس انگلیس است. و قطعاً در قضاوتها و اظهار دیدگاههایش تنها منافع کشورش را مورد نظر داشته و هرگز نمی‌توان از او انتظار داشت که یک کتاب کاملاً تحقیقی و بیطرف را تألیف نماید.

در کنار سفرنامه‌های اروپائیان که اطلاعات با ارزشی را در درباره خانات ماوراءالنهر ارایه داده اند، چند نوشته کوتاه نیز از ایرانیان دوره قاجار باقی است که بدون شک مطالب

آنها برای پژوهشگر ارزشمند می‌باشد.

۱. کتاب کم حجمی از دوره قاجار موجود است که با عنوان «سفرنامه بخارا»^{۲۵} تصحیح و انتشار یافته است. کتاب توسط فرستاده ویژه محمد شاه، برای آزادی ژوزف ولف از دست امیرنصرالله نوشته شده است. در متن کتاب نام سفیر ایران نامشخص است اما در سفرنامه ولف او را عباسقلی خان معرفی کرده است. وی نیز شاخصه‌ها و ویژگی‌های داخلی امیرنشین بخارا به ویژه دیدگاه‌های امیرنصرالله در خصوص ایران را به کوتاهی توضیح داده است. از نکات جالبی که در این کتاب به چشم می‌خورد، مباحثات سفیر ایران با امیرنصرالله در خصوص مساله مرو و آزادی اسرا می‌باشد که البته این مباحثات هیچ نتیجه مفید برای ایران دربر نداشت.

۲. کتاب با ارزش دیگر، «سفارتنامه خوارزم»^{۲۶} نوشته رضاقلی خان هدایت است. وی فرستاده ویژه میرزا تقی خان امیرکبیر به دربار خان می‌باشد تا خطر حضور قریب الوقوع روسها در سرزمین خیوه را به آنها یادآور شده و در عین حال از تجاوزات مکرر آنها به مرزهای خراسان جلوگیری نماید و بار دیگر نظر آنها را به سوی ایران جلب کند. تلاشهای هدایت به خاطر سرسختی خان خیوه به نتیجه نرسید و مسایل فیما بین ایران و خیوه حل نگردید. هدایت زمانی به ایران بازگشت که دیگر امیرکبیر در مقام صدارت نبود و سیاست او هم به دست فراموشی سپرده شد. هدایت شرح این سفر را با تشریح برخی جزئیات مباحثاتش با خان خیوه ذکر نموده است. در عین حال درباره مسایل سیاسی و اجتماعی خیوه برخی اطلاعات را نیز ارائه می‌نماید. این منبع هر چند خلاصه و مختصر است اما در قسمت مربوط به روابط با ایران از آن می‌توان بهره گرفت.

۳. «روزنامه سفر خوارزم»^{۲۷} نوشته‌ای است که به قلم محمد علی خان غفور فرستاده ویژه محمد شاه به دربار خان خیوه که در پاسخ به سفر فرستاده خیوه و برای آزادی اسرای ایرانی صورت گرفت. وی در چندین نوبت پیرامون اختلاف با خان خیوه به گفتگو می‌نشیند، اما گفتار او فاقد نتیجه است. خان معتقد است که اسرا در اختیار مردم هستند و شاه ایران برای آزادیشان بایستی فدیة بپردازد. همراه سفیر ایران نماینده انگلیس نیز حضور داشته است. زیرا خان خیوه به این موضوع به شدت اعتراض کرده که مساله فیما بین ایران و خیوه مربوط به دو دولت مسلمان است و ارتباطی به کفار ندارد که در آن دخالت کنند. در هر صورت این سفارت نیز موفقیت آمیز نبود و هیچ کدام از اسرای ایرانی

آزاد نشدند. کتاب فوق از جهت مناسبات ایران و خانات خیوه حایز اهمیت است.

۴. نوشته مختصر دیگری نیز به نام «خاطرات اسارت»^{۲۸} به قلم اسماعیل خان میربنجه یکی از صاحب منصبان ایرانی است که قریب ده سال در خوارزم اسیر بود و با مشقت فراوان جان خود را نجات می‌دهد. بیشتر مطالب کتاب او در خصوص اوضاع ناگوار اسرای ایرانی، در خیوه و در عین حال نابسامانی موقعیت مرزهای ایران است. عدم توجه کافی توسط سلاطین قاجار به مسایل مرزی و ناکارآمدی حکام منتصب در خراسان، محور اصلی توضیحات مولف است. نویسنده علاوه بر اینکه اطلاعات خوبی از طوایف منطقه ارایه می‌دهد، گزارشی از اوضاع داخلی خیوه پس از مرگ محمد امین نیز ارائه می‌دهد. پس از مرگ وی که در نزدیکی سرخس رخ داد، تا مدتها اوضاع داخلی خیوه دچار آشفتگی گردید و این در شرایطی بود که ایران از این موقعیت بیش آمده هیچ بهره‌ای نبرد تا اهدافی را در خیوه به انجام رساند.

علاوه بر سفرنامه‌های ذکر شده تعداد دیگری نوشته‌های ساده و موجز باقی است که بوسیله اسرای ایرانی در خیوه و بخارا نوشته شده است و نسبت به سفرنامه‌های یاد شده اطلاعات محدودتری دارند.

منابع

۱. ملا محمد صالح، تاریخ جدیده تاشکند، گنجینه نسخ خطی، تاشکند، شماره ثبت ۱۱۰۷۲.
۲. محمد یعقوب بن امیر، گلشن الملوک، (خطی)، انستیتو شرق شناسی تاجیکستان، شماره ثبت ۲۶۶۳.
۳. میرزا محمد شریف صدر بن عبدالشکور، تاریخ، (خطی)، انستیتو شرق شناسی تاجیکستان، شماره ثبت ۲۳۰.
۴. عالم خواجه مشرف بخارایی، تاریخ امیران منغیت بخارا، (خطی)، انستیتو شرق شناسی تاجیکستان، شماره ثبت ۲۳۵۴.
۵. میرزا سلیم بیک بن محمد رحیم، تاریخ سلیمی، (نسخه خطی)، تاشکند، شماره ثبت ۲۰۱۶.
۶. کرمینگی، محمد وفای، تحفه خانی، (خطی)، انستیتو شرق شناسی تاجیکستان، شماره ثبت ۱۴۲۶.
۷. محمد بن قاضی بقاء خواجه، منتخب امیران منغیت بخارا، (خطی)، انستیتو شرق شناسی تاجیکستان، شماره ثبت ۱۳۲۹.
۸. اسکرابین، فرانسیس هنری، سفرنامه آسیای وسطی، (خطی)، کتابخانه عمومی اصفهان، شماره ثبت ۱۱۳۹۲.
۹. وولف، ژوزف، ماموریت دکتر وولف به بخارا، (خطی)، دو جلد، کتابخانه عمومی اصفهان، شماره ثبت ۱۶۳ و ۱۶۴.
۱۰. ماگامان (مک گاهان)، تاریخ و سفرنامه خیره، ترجمه محمد عارف، کتابخانه ملی، ۱۶۶۱ رف.
۱۱. اسکولف، جنگ در ترکستان، (خطی)، کتابخانه ملک، شماره ۱۲۳۸.
12. Henry, Landsell ; Russian in central Asia London 1885.
۱۳. محمد حکیم خان، منتخب التواریخ، (چاپ سنگی)، دو جلد، دوشنبه، دانش، ۱۹۸۲م.
۱۴. وامبری، آرمینیوس، تاریخ بخارا، ترجمه سید محمد روحانی، تهران، سروش، ۱۳۸۰.
۱۵. وامبری، آرمینیوس، سیاحت درویشی دروغین در خانات آسیای میانه، ترجمه فتحعلی خواجه نوری، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ پنجم، ۱۳۷۴.
۱۶. سامی، میرزا عبدالعظیم، تاریخ سلاطین منغیتیه، بکوشش ل. م. پیفانوا، مسکو، انستیتو شرق شناسی ازبکستان، ۱۹۶۲م.
۱۷. عینی، صدرالدین، تاریخ امیران منغیتیه بخارا، (چاپ سنگی)، استالین آباد، ۱۹۲۳م.
۱۸. مخدوم دانش، احمد، رساله یا مختصری از تاریخ سلطنت خاندان منغیتیه، به کوشش عبدالغنی میرزایف، استالین آباد، نشریات دولتی تاجیکستان، ۱۹۶۰م.
۱۹. ظفرنامه خسروی، نویسنده ناشناس، تصحیح دکتر منوچهر ستوده، تهران، میراث مکتوب، ۱۳۷۷.
۲۰. امیر عالم خان، خاطره‌های امیر عالم خان (تاریخ حزن الملل بخارا)، تهران، مرکز مطالعات ایرانی، ۱۳۷۳.
21. Rawlinson, sir henry ; England and Russia in the east, London.
22. Schuyler, Eugene ; Turkistan: notes of a journey in Russia Turkistan Kokand, Bukhara and Kuldja, London 1966.

۲۳. کتکو، کاپیتان اتامازور، شرح آسیای مرکزی و انتشار سیویلیزاسیون روسی در آن، ترجمه مادروس داوود خانقب، تصحیح و تحشیه، غلامحسین زرگری نژاد، تهران ۱۳۸۴.
24. Burnes, LieuT Alex; Travels into Bokhara. Vol. 3 London 1834.
۲۵. سفرنامه بخارا، نویسنده ناشناس، به اهتمام دکتر حسین زمانی، تهران پژوهشگاه علوم انسانی ۱۳۷۳.
۲۶. هدایت، رضاقلی خان، سفارتنامه خوارزم، بکوشش علی حصوری، تهران، کتابخانه طهوری، ۱۳۵۶.
۲۷. غفور، محمد علی خان روزنامه سفر خوارزم، به کوشش محمد حسن کاوسی عراقی، تهران، دفتر محاسبات سیاسی و بین المللی، ۱۳۷۳.
۲۸. میرپنجه، اسماعیل خان، خاطرات اسارت، روزنامه سفر خوارزم و نخیه، به کوشش صفاء الدین تیراثیان، تهران، موسسه پژوهش و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۰.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی